

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۶۵

جمعه ۲۰ تیر ۱۳۹۳، ۱۱ جولای ۲۰۱۴

یادداشت‌های هفته

همید تقوی

پیام ۱۸ تیر چه بود؟

دعا برای "آبروی اسلام"

"روزه خواری به سرعت فراگیر میشود!"

صفحه ۶

۵۴۴۵۰ دلار جمع آوری شده و حداقل ۴۶۵۵۰ دیگر لازم است! هیچ کمکی کوچک نیست و هیچ کمکی بیش از اندازه زیاد نیست!

صفحه ۷

حمایت سازمانهای کارگری س اف

د ت (CFDT)، س ژ ت (CGT)،

اف اس او (FSU)، سولیدر

(Solidaires) و او ان اس آ

(UNSA) در فرانسه

صفحه ۹

ربابه رضایی در حمایت از همسرش رضا شهابی سخن میگوید

صفحه ۱۰

چرا باید از استقلال کردستان عراق دفاع کرد؟

کاظم نیکخواه

در يك کشور را مورد تهدید قرار دهد و جریانات ناسیونالیستی دو طرف نیز بر آن سوار شوند. راه برون رفت از این وضعیت استقلال کردستان با رای و خواست مردم کردستان است. در يك کلام ما کمونیستها همیشه از همزیستی و همبستگی مردم بطور جدی دفاع میکنیم اما نگاه داشتن اجباری و به زور مردم در يك محدوده کشوری به معنای همزیستی مردم نیست. درست برعکس است و بویژه در مورد عراق این زور و اجبار ابعادی بسیار بیرحمانه و سفاکانه علیه

صفحه ۲

از آن همیشه به اشکال مختلف دفاع کرده ایم و اخیرا هم طی بیانیه ای بر ضرورت استقلال کردستان عراق تاکید کردیم. اساس بحث این است که در عراق طی دهها سال حکومت دولت صدام و حزب بعث از يك طرف و ناسیونالیستهای کرد از طرف دیگر سیاستهایی را پیش برده اند که در خلاء جریانات چپ رادیکال، شکافی عمیق میان مردم کردستان و مردم عرب زبان را بوجود آورده اند، که بسادگی پرکردنی نیست. این باعث شده است که خطر درگیری ها و شکاف های عمیقتر و خونینتر بطور مداوم همزیستی این مردم

بحث در مورد استقلال کردستان عراق در میان اپوزیسیون چپ و راست ایرانی بطور جدی داغ شده است. بجز حزب کمونیست کارگری ایران، چپها از موضعی ظاهرا "انترناسیونالیستی" و غیر ناسیونالیستی و راستها از موضعی ناسیونالیستی و ضد انترناسیونالیستی با آن مخالفت کرده اند. استدالات مختلفی در این رابطه بکار برده میشود که سعی میکنم به برخی پاسخ بدهم. تاکید کنم که موضع حزب کمونیست کارگری در مورد استقلال کردستان عراق سالها پیش توسط منصور حکمت طرح شد و مورد قبول حزب بود و ما

بار دیگر شعله های جنگی خانمانسوز

علی جوادی

نشین. و به تلافی آن و برای انتقام جویی، مناطق مسکونی فلسطین بمباران میشود. صدها و هزاران تن فلسطینی دستگیر و زندانی میشوند. و باز دسته جمعی مجازات میشوند. باز به تلافی آن جنایت، جنایتی دیگر و صد بار دهشتناک تر خلق میشود. نوجوانی فلسطینی ربوده میشود و زنده زنده در قرن بیست و یکم سوزانده میشود. و بار دیگر

صفحه ۳

این منطقه است. بنظر سرنوشت مردمی است که اسیر دولت دست راستی اسرائیل و جریانات ارتجاعی اسلامیستی و ناسیونالیستی شده اند. این بار نیز يك حادثه، يك اتفاق، يك جنایت، يك پرووکاسیون، چاشنی انفجاری بر خرمن های آماده به شعله ور شدن، شده است. این بار کشتن جنایت کارانه سه تن از شهروندان اسرائیلی در مناطق فلسطینی

بار دیگر جنگ و کشمکش میان اسرائیل و فلسطین شدت یافته است. تاریخی که گویا دارد مجددا و مجددا و نه یکبار و دو بار بلکه مرتب و دهها بار تکرار میشود. و این دیگر تکرار دو باره تاریخ نیست، فاجعه ای نیست که به کمندی تراژیک تبدیل شده است. تکرار مکرر و مداوم يك تاریخ خرد کننده و کشنده با مصائبی بیشمار است. گویی يك روال عادی در زندگی مردم در

بی بی سی و مرگ محمدی گیلانی!

بهروز مهرآبادی

صفحه ۵

چرا باید از استقلال کردستان عراق دفاع کرد؟



مردم کردستان بخود گرفت که سایه آن هنوز بر سر آنها سنگینی می کند. وقتی که کشاکش های ناسیونالیستی و قومی و مذهبی نیروهای ارتجاعی، مردم را هرروز قربانی میکنند، برای دفاع از زندگی مردم و جلوگیری از شکافهای عمیق تر و نفرت های دامنه دار تر، در مقاطعی بهترین راه جدا شدن مردم از محدوده کشوری واحد و ایجاد کشور مستقل است.

حالی مستقل پیدا کرده است. چون شیرازه دولت مرکزی در عراق از هم پاشیده است و فضایی ایجاد کرده که منطقه موسوم به "اقلیم کردستان" خود را عملا از نظر اداری، نظامی، و بدرجه ای مالی جدا کند. این یک واقعیت و صورت مساله است. اکنون چه باید کرد؟ اینکه کسی امروز بگوید با استقلال کردستان عراق مخالف است به معنای رها کردن امور به سیر خودبخودی و دفاع شرمگینانه از همین حالت کنونی یعنی حاکمیت احزاب ناسیونالیستی کرد است. سوال اینست که اگر مردم پایشان را وسط بگذارند و رفراندوم برگزار شود آیا ناسیونالیست های فی الحال حاکم در کردستان تقویت میشوند یا مردم؟ بنظر ما روشن است که مردم قدرت بیشتری در برابر احزاب حاکم پیدا میکنند. نظر خواهی از مردم که آیا با جدایی موافقید یا نه، نتیجه بلافصلش ایجاد یک جنب و جوش در میان مردم و دخالتگری مردم در سرنوشت خویش است. رفراندوم باعث میشود مردم خود را صاحب اختیار و صاحب دولت بدانند و از این نظر تاثیر فوری آن وارد شدن مردم به صحنه سیاسی است. دولتی که بعد از این رفراندوم تشکیل میشود مدیون رای مردم است و رسماً ملزم می باشد که به رای مردم احترام بگذارد. روشن است که امروز مسعود بارزانی هم برای مشروعیت دادن به سیاست های خود از رفراندوم دفاع میکند. یعنی میخواهد پای مردم را برای دفاع از خود در مقابل دولت عراق و آمریکا وسط بکشد. اما همیشه همینگونه بوده است که دولتها یا بخشهایی

از بوژوازی در رقابتهایشان برای تقویت جبهه خویش مردم را در سیاست دخیل میکنند و نهایتاً این به تقویت وزن مردم در سیاست منجر شده است. روشن است که رفراندوم بخودی خود به معنای تضمین اجرای اراده مردم نیست. مردم بسته به قدرت و تشکل و رهبری سیاسی خود، در اوضاع دخالت میکنند و به دولت فشار می آورند یا با آن سازش میکنند. اما این مهم است که اراده مردم یک مشروعیت رسمی و قانونی پیدا میکند و امکان دخالتگری بیشتر مردم و فشار روی ناسیونالیست های حاکم را بطور کلی از امروز بیشتر مینماید. یک خاصیت مهم و فوری دیگر رفراندوم اینست که دولتهای ارتجاعی منطقه مثل امروز دست بازی در دخالت نظامی در کردستان عراق نخواهند داشت. نه جمهوری اسلامی و نه آمریکا و نه دولت قومی مذهبی عراق نمیتوانند بسادگی به کردستانی که با رای عمومی مردم مستقل شده است حمله کنند. چون زیر فشار افکار عمومی جهان قرار میگیرند. طبعاً این هم صد در صد تضمین شده نیست. اما یک اهرم مهم و جدید در مقابله با دخالتگری نظامی در شرایط کنونی است. از اینرو این بحث که ناسیونالیست ها با استقلال رسمی کردستان تقویت میشوند یک فریبکاری است. قضیه درست برعکس است.

۲- میگویند "استقلال کردستان عراق ناسیونالیسم کرد را در ایران و کشورهای دیگر تقویت میکند" همانگونه که در بالا اشاره کردم بحث تقویت ناسیونالیسم کرد در عراق قیاس مع الفارق است. ناسیونالیسم

کرد فی الحال بدرجه زیادی زیر فشار حق طلبی و اعتراض کارگران و مردم کردستان هست. و در کردستان مستقل بیشتر زیر فشار قرار خواهد گرفت و مبارزه طبقاتی شفاف تر خواهد بود. ایجاد یک کشور کردستان مستقل حتما باعث میشود که فیل ناسیونالیست های کرد در ایران و جاهای دیگر هم یاد هندوستان بیفتند. بگذارید در مورد کردستان ایران بحث کنیم که برای ما عاجل تر است. فرض کنیم که در کردستان عراق رسماً رفراندوم برگزار میشود و کردستان اعلام استقلال میکند. از نظر روانی و کوتاه مدت این میتواند تاثیری تقویت کننده روی ناسیونالیست های کرد در ایران داشته باشد. اما احزاب و جریان های ناسیونالیست کرد در ایران میدانند که در کردستان ایران چپ و کمونیسم و طبقه کارگر قوی است. چپ بر خلاف کشورهای دیگر منطقه جای برجسته و وزن اجتماعی مهمی دارد. همین باعث شده است که در کردستان ایران شکاف قومی و مذهبی موقعیتی جدی نداشته باشد و طی سالهای اخیر کمرنگ و کمرنگ تر شود. استقلال طلبی و جدایی طلبی در کردستان ایران نسبت به ده سال و بیست سال پیش بشدت رنگ باخته است. حتی شعارهای ناسیونالیستی و ارتجاعی مثل خودمختاری و فدرالیسم هم جایگاهی اجتماعی در میان مردم ندارد. کارگران و زنان و

جوانان و مردم کردستان خود را در کنار و همسنگر کارگران و مردم در سایر بخشهای ایران میدانند. جمهوری اسلامی از بدو روی کار آمدنش تلاش زیادی کرد که نفرت و شکاف قومی و مذهبی را دامن بزند و مردم سایر بخشهای ایران را علیه کردستان بسیج کند و ناسیونالیست های کرد ایرانی نیز آنرا باد زدند. اما دست را به اتحاد و هم سرنوشتی که اساساً چپ آنرا نمایندگی میکرد باختند. فاکتورها و دلایل اجتماعی دیگری نیز باعث شد که تبلیغات و سیاست های ارتجاعی جمهوری اسلامی و ناسیونالیست های مختلف کرد نتواند میان مردم شکافی جدی بیندازد و روندی معکوس در این زمینه پیش رود. که اینجا فرصت پرداختن به آنها نیست. بنابراین استقلال کردستان عراق قطعاً نمیتواند فاکتوری به نفع ناسیونالیست های کرد در ایران باشد. اینجا اگر حتی اینها شهادت این را داشته باشند که استقلال و جدایی را باد بزنند میخی بر تابوت خود زده اند و قطعاً با حضور کمونیسم کارگری و چپ بطور کلی در کردستان، بازنده هم خود آنها خواهند بود و هم جمهوری اسلامی که بهیچ وجه حاضر نیست تن به بحث استقلال و رفراندوم در کردستان بدهد و فضای ملتهب جامعه را به زیان خود بی ثبات تر کند.

صفحه ۴

تلفن تماس با حزب در خارج کشور

اصغر کریمی، دبیر هیئت اجرایی حزب
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

فریبرز پویا، دبیر کمیته خارج کشور
۰۰۴۴۷۷۸۶۱۰۹۹۹

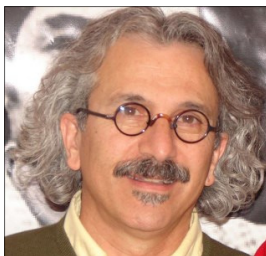
تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر، دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

L.K.K , Box: 2110 ,
127 02 Skärholmen - Sweden

بار دیگر شعله های جنگی خانمانسوز



شاهد موشک پرانی های کور جریانات اسلامیهستی و مردمی که قربانیان سیاستهای ارتجاعی هر دو طرف این تخاصم اند. عادی ترین مردم عادی. و این گوشه ای از تاریخ و زندگی مردم این منطقه نفرین شده است. مردمی که از دهها سال است از زندگی محروم شده اند. دولتی دست راستی و ارتجاعی که با قلدری و قدرت و توان میلیتاریستی بالا هر بار به دنبال تلافی و انتقام جویی و کشتار است. و هر بار جنایتی را با صد جنایت دیگر تلافی میکند. و جریانات اسلامیهستی و ناسیونالیستی مرتجعی که بر این فاجعه سرمایه گذاری سیاسی کرده اند. از وجود این زخم بر پیکر مردم فلسطین بهره برداری میکنند و یک رکن بقاء و دوامشان وجود همین شکاف خونین در این منطقه است.

اما آنچه که اکنون در خاورمیانه در جریان است، فقط جنگ اسرائیل و حماس، صرفا جنگ دو نیروی ارتجاعی نیست. در عین حال جنگی علیه مردم فلسطین است. جنگی برای نابودی و به تسلیم کشاندن مردمی است که گناهشان سهم خواهی از زندگی و حقوق اولیه هر شهروندی است. غزه يك زندان بزرگ با جمعیتی بیش از يك و نیم میلیون انسان ستمدیده و زخم دیده است. مردمی که در عین حال که تاریخا تحت ستم دولت ارتجاعی و جنایتکار اسرائیل قرار داشته اند، و امروز تحت سلطه فکری و سیاسی انواع جریانات ارتجاعی و ناسیونالیستی و اسلامیهستی قرار دارند. مردمی که هر چند سال یکبار با انواع موشک و سلاحهای تازه به بازار رسیده بمباران میشوند، در عین حال تحت کنترل جریان اسلامیهستی

حماس و ناسیونالیسم فلسطین و عرب قرار دارند. پرداختن به مسائل ویژه و مشخص این جنگ و دلایل تکرار آن کاری عبث و بیهوده است. نمیتوان از دریچه وقایع روزمره به واقعیت این وضعیت دهشتناک پی برد. واقعیت این است که جریاناتی که دست به ماشه و آماده شلیک اند، جریاناتی که بقاء خود را در تداوم تخاصم در منطقه جستجو میکنند، به هر بهانه موجه و غیر موجه ای دست به اسلحه میبرند. از این رو باید به ریشه تاریخی و امروزی این مساله و راه حل آن پرداخت.

ریشه این جنگ را باید در يك واقعیت خشن تاریخی جستجو کرد و آن محرومیت تاریخی و زخم عمیقی است که بر پیکر مردم فلسطین وارد شده است. اما تداوم این نابرابری را در عین حال باید در تقابل دو نیروی ارتجاعی اسلامیهستی و تروریسم دولتی اسرائیل جستجو کرد. این مساله تاریخی را باید حل کرد. راه حل پایه ای و اساسی آن در درجه اول در گرو برسمیت شناسی حق این مردم در داشتن يك کشور مستقل و برخوردار از تمامی حقوق بین المللی شناخته شده در کنار کشور اسرائیل است.

حل مساله فلسطین بی اما و اگر

حل هر مساله ملی و از جمله حل مساله ملی فلسطین اما و اگر ندارد. پیش شرط ندارد. قید و شرط ندارد. مشروط به غلبه جریانات چپ و یا نیروهای رادیکال در "کشور" مورد نظر نیست. دولت سراسری و یا دولتی که این حق را از مردم، در صورت ابراز خواست مردم، دریغ کرده است باید تحت فشار بین المللی و بشریت متمدن قرار داد تا حق

به جوامع بزرگتر به این جراحی اجتماعی اگر اراده آزاد مردم مبتنی بر آن باشد، با تمام قوا از آن دفاع خواهیم کرد.

در مورد مساله فلسطین مساله روشن تر و ساده تر است. دولت اسرائیل حق مردم فلسطین را در داشتن يك کشور مستقل تاریخا زیر پا گذاشته و زندگی را به این مردم سیاه کرده است. این مردم را با زور اسلحه آواره و تروریزه کرده است. از سرزمینهایشان بزور اخراج کرده است. حل این مساله تاریخی مستلزم برسمیت شناخته شدن کشور مستقل و متساوی الحقوق فلسطینی است.

شرط حل این مساله تاریخی منوط به تحمیل این راه حل به دولت ارتجاعی و اسرائیل و متحدینش است. باید دولت اسرائیل و متحدین آن را تحت فشار قرار داد تا این حق دیرینه مردم فلسطین را برسمیت بشناسد. اما نقش مخرب اسلامیهستها در این میان چیست؟

نقش و جایگاه اسلامیهستها در مساله فلسطین؟

اسلامیهستها همانطور که بارها و بارها گفته ایم از وجود این زخم دیرینه بر پیکر مردم فلسطین تغذیه میکنند. خود را به خاطر وجود این زخم به مردم فلسطین می چسباندند. ما بارها گفته ایم که حل مساله فلسطین اتفاقا باعث حاشیه ای کردن و تسریع پروسه کم کردن شر این جانوران اسلامی از سر مردم فلسطین و مردم منطقه و ضربه بزرگی به کل اسلام سیاسی است. نابودی اسلام سیاسی مستلزم حل مساله فلسطین از يك طرف و از طرف دیگر مستلزم سرنگونی رژیم اسلامی است. "حل" هر کدام از این دو رکن موجودیت اسلام سیاسی باعث تسهیل خلاصی از شر کل پدیده اسلام سیاسی خواهد شد. اگر رژیم اسلامی در پس يك خیزش و تحول عظیم سکولاریستی و آزادیخواهانه سرنگون شود، تشعشعات آن همه خاورمیانه در بر خواهد گرفت. سرنگونی رژیم

اسلامی شرط لازم خلاصی از شر اسلام سیاسی است، اما حل مساله فلسطین شرط کافی و در عین حال تسریع کننده شکست سیاسی همه جانبه اسلام سیاسی و حاشیه ای کردن این جانوران آدمکش در دنیای کنونی است. اسلامیهستها مانند بختک به زندگی مردم کشورهای اسلام زده چسبیده اند، از ظلم تاریخی که به این مردم روا شده است توجیهی و بعضا مشروعیتی برای توجیه سیاستهای ارتجاعی و تروریستی خود بدست آورده اند.

از طرف دیگر وجود تروریسم اسلامی در فلسطین عملا بهانه و توجیهی در دست دولت و جریانات دست راستی اسرائیل برای برسمیت نشناختن حق تاریخی مردم فلسطین است. اسلامیهستها با سیاست "نابودی اسرائیل" عملا زمینه ای برای توجیه سیاست میلیتاریستی و قلدری و زورگویی اسرائیل در منطقه ایجاد میکنند. اسلام سیاسی در فلسطین مانند هر شاخه دیگر اسلام سیاسی در عین حال در تلاش برای شکل دادن به يك حاکمیت دست راستی اسلامی در این منطقه است، حل مساله فلسطین يك رکن مهم برای خشک کردن ریشه این جریانات آدمکش است.

آیا قرار گرفتن حماس در موقعیت دولت و نیرویی در دولت خودگران فلسطینی هیچگونه تغییری در ماهیت مسائل خاورمیانه و یا حل آن بوجود نمی آورد؟ مسلما وجود حماس در قدرت و یا در بخشی از قدرت چشم انداز صلح در خاورمیانه را تیره و تار تر میکند. تردیدی نیست. حماس يك رکن تروریسم اسلامی است. قرار گرفتن این نیروی تروریستی در بخشی از حاکمیت به لحاظ اصولی مانعی در دستیابی به صلح در خاورمیانه است. اما مساله فلسطین و حل مساله فلسطین الزاما و به لحاظ اصولی به مساله صلح گره نخورده است. میتوان شرایطی را تصور کرد که کشور اسرائیل و کشور فلسطین

چرا باید از استقلال کردستان عراق دفاع کرد؟

۳- میگویند "در شرایطی که کشور عراق مورد تعرض ارتجاع اسلامی داعش و سنی قرار گرفته، توصیه کردستان مستقل یعنی اینکه کردستان خود را در رنج و جدال مردم عراق بی وظیفه کند و کنار بکشد" این هم از آن استدلالهای "جالب" است که از جانب چپهای شعاری و غیر سیاسی مطرح میشود. چپی که چشمش را همیشه بر واقعیات می بندد و با شعارهای "زیبا" حال میکند. کسی که يك ذره به واقعیات امروز عراق توجه کند فوراً متوجه میشود که این که امروز فراخوان بدهیم مردم کردستان بروید در کنار مردم عراق علیه داعش بجنگید، یعنی فراخوان به دولت بارزانی برای اینکه "وظیفه انترناسیونالیستی" چپها را او انجام دهد! این شعار یعنی دفاع از دولت قومی مذهبی

مالکی و جمهوری اسلامی و جبهه ارتجاع اسلامی شیعی. و برعکس استقلال کردستان با رای مردم، یعنی ایجاد سنگری محکم تر در برابر پیشروی جبهه داعشی ها. کردستان مستقل معنای فوریش اینست که يك منطقه وسیع و میلیونها مردم عراق از فجایع جنگ در این کشور بدرجه زیادی بیرون کشیده شوند. این سیاست جبهه داعش را (که دولتهای ارتجاعی عربستان و قطر و برخی نیروهای سیاه دیگر را در بر میگیرد) عملاً تضعیف میکند. جای امن تری برای میلیونها مردم فراری از جنگ ایجاد میکند، سنگری مستحکم تر و مردمی تر و قابل دفاع تر در برابر داعیه ایجاد "دولت عراق و شام" ایجاد مینماید، و در عین حال اگر مقابله نظامی با داعشی ها ضروری شود، يك کردستان

مستقل و متکی به رای مردم عملاً در خدمت جبهه شیعی و جمهوری اسلامی و شرکا قرار نمیگیرد. کردستان مستقل نیز میتواند اگر جنگ شعله ور شود علیه داعش وارد تقابل نظامی شود، اما نه بعنوان پشت جبهه احزاب و نیروهای شیعی. و این نیز عملاً بسیار مهم است.

۴- میگویند دفاع از استقلال کردستان یعنی همسویی با دولتهای ترکیه و اسرائیل و امثالهم که آنها نیز بنا به مصالح خود از استقلال کردستان پشتیبانی میکنند. همانگونه که در بالا اشاره کردم عکس این معادله عملاً درست است. یعنی در صف بندی های فی الحال موجود هرکس از درگیر شدن نظامی کردستان برای مقابله با "جبهه داعش" دفاع کند معنایش دفاع از حمایت نظامی دولت بارزانی از دولت مالکی و سیاستهای جمهوری اسلامی و بدرجه ای آمریکاست. راه دیگری وجود ندارد. ما نمیتوانیم و نمیخواهیم برای ناسیونالیستهای کرد وظیفه تعیین کنیم. اینکه دولت ترکیه و اسرائیل نیز امروز به استقلال کردستان چراغ سبز نشان میدهند، برای ما سیاست تعیین

نمیکند. این همان استدلالی است که در موارد متعددی چپ ضد امپریالیست را به پشت جبهه جمهوری اسلامی به دلیل تقابلش با آمریکا تبدیل کرده است. حقیقت اینست که عراق امروز به محل تلاقی و کشاکش دولتها و نیروهای ارتجاعی متعددی تبدیل شده است. يك ارتجاع با ارتجاع دیگر میجنگد و مردم قربانی میشوند. ما در هیچ سوی این جنگ نیستیم. مهم اینست که شما در این وسط چه راهی را پیشنهاد میکنید که به تقویت صف انسانی و آزادیخواهی کمک کند و بتواند مردم را با تلفات انسانی و سیاسی کمتری از مهلکه نجات دهد و در آینده و امروز مبارزه طبقات تاثیرات مفیدی به نفع کارگران و مردم داشته باشد. ما از جنگ و شکاف دستجات و دولتهای بورژوازی باید بتوانیم به نفع مردم استفاده کنیم و بنابراین اگر برخلاف ده سال پیش امروز دولتهایی هم هستند که از استقلال کردستان عراق دفاع میکنند، این باعث نمیشود که ما از سیاست اصولی و درست خود به نفع يك سیاست ارتجاعی کوتاه بیاییم. بلکه این به معنای شکاف در میان دشمنان دیروز

استقلال است و به نفع مردم عمل میکند. اسرائیل و ترکیه مصالح اقتصادی و دیپلماتیک خود را دنبال میکنند. روشن است که باید نسبت به آن هوشیار بود. ولی اگر کردستان مستقل به دلایلی که در بالا اشاره کردم و در بیانیه حزب ما هم آمده به نفع مردم کردستان و عراق است، باید از آن دفاع کرد و آنرا تبلیغ نمود در عین حال به مردم در مورد اهداف ارتجاعی دولت اسرائیل و ترکیه و دیگر دولتها هم هشدار داد و مماشات و سازشهای ناسیونالیستهای کرد با این دولتها را جلوی چشم مردم گذاشت.

این را هم در آخر تاکید کنم که ما از استقلال کردستان و تشکیل يك دولت غیرقومی و غیر مذهبی دفاع میکنیم که آزادیهای سیاسی بی قید و شرط قانون اساسی آن باشد. طبعاً برای رسیدن به این هدف راهی پر مشقت و سخت را باید طی کرد. اما تصور وصول به این هدف در شرایط موجود عراق عملاً چشم اندازی غیرقابل تصور است.*

بار دیگر شعله های جنگی خانمانسوز

پس از برسمیت شناخته شدن و تشکیل کشور مستقل فلسطینی درگیری های نظامی هم داشته باشند، همانطور که اکثر کشورهای عرب زبان در چنین شرایطی با اسرائیل بسر میبرند. اما مسلماً از نقطه نظر ما بهترین است که مساله ملی فلسطین با استقرار صلح و حل معضلات اجتماعی جامعه فلسطین در يك پروسه به سرانجام فوری خود برسد. همانگونه که ما تلاش میکنیم سرنوشت رژیم اسلامی و استقرار حکومت کارگری در يك

پروسه و همزمان باشد. اما این پروسه ها الزاماً مطابق میل و سیاست ما به پیش نخواهد رفت. مساله ملی فلسطین ماهیتا يك مساله ملی از نوع مساله ملی ایرلند، مساله ملی کرد و یا سایر مساله ملی در سطح جهان که بعضاً یا پاسخ خود را گرفته اند یا همچنان باز و مفتوح هستند. صلح در خاورمیانه اما نیازمند عوامل و شرایط دیگری فراتر حل مساله ملی فلسطین است. مسلماً حل صلح آمیز مساله فلسطین و استقرار صلح

همزمان با حل مساله فلسطین خواست ماست، اما الزامی نیست. حل مساله ملی فلسطین و برسمیت شناخته شده کشور مستقل فلسطینی این امکان را بوجود می آورد که مسائل پایه ای و طبقاتی جامعه و نیروهای اصلی جامعه پیرامون تضادهای طبقاتی جامعه در جلوی صحنه سیاست قرار گیرد. انتقام و جنایت از هر دو سو عواملی تعیین کننده در تشدید تضامات موجود است. اما هیچ جنایتی جنایت دیگری را توجیه نمیکند. و اقدام جنایتکارانه دولت اسرائیل نمیتواند به هیچ وجه توجیه گر عملیات انتحاری حماس و کشتار مردم عادی توسط حماس در اسرائیل و یا برعکس باشد.

در پایان

جنگ تروریستها اعم از دولتی و غیر دولتی تغییرات مهمی در مساله ملی فلسطین و تضامات در منطقه ایجاد کرده است؟ واقعیت این است که جنگ تروریستها ابعاد پیچیده تری به مسائل خاورمیانه و فلسطین بخشیده است. در دو سوی این تضام در منطقه نیروهایی وجود دارند که در عین حال نیرو و ارگانی در اردوگاه تروریسم بین المللی هستند و جنایاتی که در مقابل چشمان ما در حال شکل گیری است، در عین حال صحنه و پرده ای از جدال نیروهای تروریستی است. این جنگ مسلماً حل مسائل خاورمیانه و حتی مساله فلسطین را بمراتب مشکل تر کرده است. همانطور

که در دوران جنگ سرد تقابل دو بلوک شرق و غرب بر هر مساله منطقه ای سنگینی میکرد. هر مساله منطقه ای با ضرب شدن در تضام دو قطب پیچیده تر و حل آن مشکل تر میشد. امروز هم مسائل منطقه ای در عین بازتابی از تضامات و کشمکشهای بین المللی است. این جنگ ارتجاعی باید متوقف شود. جنگ و ترور وحشیانه علیه مردم فلسطین در غزه باید فوراً متوقف شود. تمام مسببان این جنایت علیه مردم عادی در فلسطین و اسرائیل باید به جرم جنایت جنگی به محاکمه کشیده شوند.*

بی بی سی و مرگ محمدی گیلانی!

بهر روز مهرآبادی



طول بیش از ۳۵ سال حاکمیت خود مرتکب شده، افشا و علنی خواهد شد، تا همه مردم جهان از آن باخبر شوند و خاطره نفرت بار حکومت مذهب و اسلامی سیاسی، در هیچ کجای جهان امکان تکرار نداشته باشد.

آیت اله محمدی گیلانی مرد اما تصاویر منتشر شده او در کنار حسن روحانی در دهه ۶۰

بار دیگر یادآوری می کند همکاران دادگاه های انقلاب یعنی ماموران وزارت اطلاعات و جنایتکارانی که سالها در سازمانهای امنیتی رژیم همکاران محمدی گیلانی بوده اکنون دولت "اعتدال و امید" تشکیل داده و بر مسند قدرت نشسته اند. اگر محمدی گیلانی محاکمه نشد، این همکاران سابق و ادامه دهندگان راه او را می توان بخاطر جنایت علیه بشریت به دادگاه کشاند. مرگ هیچکدام از این آنها نمی تواند تشکیل دادگاه رسیدگی به جنایات جمهوری اسلامی را نفی کند.*

اوج خونخواری و بی رحمی این حیوان درنده خورا نشان میدهد و آنها نیز قربانیان این نظام کثیف هستند. گیلانی یکی از نمونه های شاخص شناعیت و توحش اسلامی است. او همانند صادق خلخالی، اسداله لاجوردی و رهبرشان روح اله خمینی قبل از اینکه به دادگاه سپرده و به پرونده سنگینش رسیدگی شود، مرد. اما پرونده جنایاتی که مرتکب شد، باز است. این اشخاص چهره هایی از یک حکومت جنایتکار و ضد بشری هستند و پرونده این حکومت بسته نخواهد شد. با سرنگونی جمهوری اسلامی شرح کامل جنایاتی که این رژیم در

چندش آور تلویزیونی در عین حال اسناد غیر قابل انکاری در میزان جنایتکاری مجری آن و در بیان توحش و قساوت قوانین اسلامی است.

شهرت محمدی گیلانی نه بخاطر فرزند کشی و نه بخاطر برنامه های تلویزیونی اش بلکه بخاطر اعدام هزاران نفر با اتهاماتی نظیر: خواندن يك نشریه، شرکت در تظاهرات، به همراه داشتن چندسکه برای استفاده از تلفن عمومی، به همراه داشتن قرص ضد بارداری و یا حتی پوشیدن کفش ورزشی بود. اعدام فرزندانش نیز اگر توسط خود او صورت گرفته باشد

شکنجه و اعدام صادر شده از طرف او نکردند و بجای آن به بحث درباره صدور یا عدم صدور حکم اعدام پسران گیلانی از طرف او و روایات مختلف در این باره پرداختند.

بی بی سی در سایت خود نوشت: "علت اصلی شهرت محمد محمدی گیلانی به خاطر نقشی است که گفته می شود در مقام قاضی شرع دادگاه انقلاب در ماجرای دستگیری، محاکمه و اعدام دو یا سه تن از پسرانش ایفا کرد و بحثهایی که در مورد صحت و سقم این ماجرا وجود داشته است." و مطلب خود را با این جمله پایان داد: "این روحانی شیعه به خاطر طرح و بررسی برخی مسایل شرعی در برنامه های تلویزیونی خود در دهه ۱۳۶۰ هم شهرت داشت."

بی بی سی يك کلمه در مورد جنایات بیشمار محمدی گیلانی نمی نویسد، که چگونه شخص او و دادگاه های انقلاب که توسط این جنایتکار اداره میشد، احکام زندان، شکنجه و اعدام برای هزاران انسان شریف صادر کردند. اگر شایعه فرزندکشی از قساوت و بیرحمی محمدی گیلانی سرچشمه گرفته باشد، ژورنالیسم منحط و ارتجاعی آن را بهانه قرار داده تا با عمده کردن این مسئله و بحث درباره شبهات و صحت و سقم این شایعه، از او يك مومن به تمام معنا و حتی قهرمان بسازد و بر مسئله اصلی یعنی پرونده خونبار گیلانی و همکارانش سایه بیندازد. مسایل شرعی مطرح شده در برنامه های تلویزیونی از طرف این جانور کثیف هم بیشتر توضیح قوانین مجازات اسلامی و توجیه شرعی اعدام های صورت گرفته در آن سالها بود. این برنامه های

خبر مرگ محمدی گیلانی در روز چهارشنبه گذشته منتشر شد. او بعنوان یکی از سفاک ترین، بیرحم ترین و جنایتکارترین سردمداران جمهوری اسلامی شناخته شده است. آیت الله گیلانی از همان اوایل بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی توسط خمینی بعنوان حاکم شرع و رئیس دادگاههای انقلاب منصوب شد و حکم اعدام تعداد زیادی از شریف ترین انسانها را صادر نمود و تعداد بیشماری احکام زندان و شکنجه در مورد کسانی را صادر کرد که حکومت توحش و ارتجاع اسلامی را نمی پذیرفتند. او بعنوان عضو شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو مجلس خبرگان و رئیس دیوان عالی کشور همواره یکی از مهره های مهم دستگاه سرکوب و اختناق و غارت اسلامی بود. از مناصب دیگر او نمایندگی خمینی در دانشگاه ها و مضحك تر از همه رئیس هیئت "عفو" خمینی بود.

رژیم در سوگ این مهره خود در استان گیلان اعلام عزاداری کرد و دولت و نهاد های مختلف وابسته به رژیم پیام تسلیت فرستادند. بی شک اکثر مردم و بویژه آنان که عزیزانشان توسط این جلاد کشتار شدند از این متاسف شدند که این جنایتکار محاکمه نشد.

رسانه های متعددی خبر مرگ محمدی گیلانی را منتشر کردند و در مورد او نوشتند. نحوه ارائه خبر مرگ محمدی گیلانی قابل توجه است. رسانه های اصلاح طلبان رژیم و در راس آنها رادیو بی بی سی در سایت خود کمترین اشاره ای به جنایات محمدی گیلانی و احکام زندان و

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال

جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاتریناسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

پیام ۱۸ تیر چه بود؟

و سیاست اعلام میکند و این جانوران را بجان مردم میاندازد. و دقیقاً بهمین دلیل است که در اعتراضات و خیزشهای توده‌ای نظیر شورش ۱۸ تیر و خیزش میلیونی سال ۸۸ مردم با "شعارهای تند و تیز" به سراغش میروند!

اما این همه داستان نیست. خامنه‌ای بقول خود حکومتیها عمود خیمه نظامشان است. مردم در اعتراضاتشان این عمود را نشانه میگیرند چون میخواهند کل نظام را بزیر بکشند. اگر شورش ۱۸ تیر کوتاه تر از آن بود که این واقعیت را در مغزهای متحجر مقامات رژیم فرو کند انقلاب ۸۸ با شعار "موسوی بهانه است کل نظام نشانه است" خیال همه مقامات حکومتی را راحت کرد. امروز دیگر همه حکومتیها، از مقام معظم رهبری تا روحانی و رفسنجانی و ناطق نوری و مصباح یزدی، بخوبی میدانند که جنگ مردم با حکومتشان بر سر آمر و عامل و ولی فقیه و رئیس جمهور و یان جناح و آن جناح نیست. بلکه جنگی است بر سر کل موجودیت جمهوری اسلامی. کل نظام نشانه است!*

"روزه خواری به سرعت فراگیر میشود!"

"جلوی چشم صدها عابر پیاده خم می شود و بطری آبش را از شیر آبخوری پر می کند و یک نفس سر می کشد. وقتی هم که زشتی عملش را به رخ می کشی، تازه تعجب هم می کند، ... و می پرسد: آقا کی باشنند؟ شما مفتش دولتی یا اختیاردار دین مردم؟ روزه ای، باش! منو سننه."

این مدخل نوشته ای است با عنوان "هنجار شکنانی به نام روزه خوار" در سایت خبری انقلاب نیوز. همین چند خط اول اعتراف صریحی است به درماندگی حکومت و دار و دسته های نهدی از منکر و گشت ارشاد و مامورین امنیت اخلاقی اش در مقابل "هنجار شکنان".

نوشته اینطور ادامه میدهد که روزه خواران "که حالا دیگر تعدادشان هم کم نیست"، اکثراً ناراحتی معده را پیش می کشند و جامعه ای با این نوع بیماری "که طی یک دوره زمانی خاص به سرعت

دعا برای "آبروی اسلام"

است. تفاوت حتی بین افراطیون و اعتدالیون نیست. ممکن است امروز داعش افراطی تر به نظر برسد اما جمهوری اسلامی نیز هر جا لازم باشد از افراط در جنایت ابائی ندارد. کما اینکه در بدو بقدرت رسیدن در سرکوب دانشجویان کمونیست (انقلاب فرهنگی) و در یورش به کردستان و در کشتار سی خرداد شصت همان قدر افراطی و جنایت پیشه بود که داعش امروز هست. قتل عامهای تابستان ۶۷ و قتلهای زنجیره ای و فجایع کهریزک و قتل نداها و ستاربهشتی ها و زهرا کاظمی ها هم دست کمی از جنایات داعش که این روزها عکس و تفصیلاتش روی سایتها است ندارد.

تفاوت در توحش نیست، اهداف سیاسی متفاوتی است که این دارو دسته ها دنبال میکنند. جنگ میان این دار و دسته ها، بین علویها و سلفی ها، بین طرفداران ولی فقیه و پیروان خلیفه مسلمین، جنگی است میان جمهوری اسلامی و ترکیه و عربستان سعودی بر سر گسترش نفوذشان در منطقه. اما آنچه در نهایت سرنوشت این جنگ را تعیین خواهد کرد مبارزه توده های مردم علیه کلیه این دار و دسته ها و دولتهای حامی آنها است. مردم ایران در صف مقدم و در محور این مبارزه قرار دارند.*

"دعا کنیم بیش از این آبروی اسلام با داعش نرود!"

هاشمی رفسنجانی

تا آنجا که به مردم ایران مربوط میشود مدتها قبل از ظهور داعش آبرویی برای اسلام باقی نمانده بود!

کار از دعا گذشته است! مردم ایران نیازی به توحش و فاشیسم "دولت اسلامی عراق و شام" ندارند تا بفهمند دولت اسلامی یعنی چه! توحش و فاشیسم جمهوری اسلامی باندازه کافی "دولت اسلامی" را برای مردم ایران معنی کرده است. کسانی نظیر هاشمی رفسنجانی که خود از بنیان نظام اسلامی اعدام و فقر و بیحقوقی هستند تلاش میکنند با نشان دادن توحش داعش برای حکومتشان آبرویی کسب کنند. اما داعش قدم در راهی میگذارد که جمهوری اسلامی هموار کرده است. داعش میخواهد حکومتی تشکیل بدهد که یک نمونه آن سی و پنجسال قبل در ایران تشکیل شده است، و شیوه هائی از ارباب را بکار میگیرد که خلخالی جلا د سی و پنجسال قبل در ترکمن صحرا و کردستان نمونه های آن را بدست داده بود.

جنگ و کشمکش امروز بین داعش و جمهوری اسلامی جنگی میان دار دسته های مختلف در یک جنبش تا مغز استخوان ارتجاعی و وحشی و ضد انسانی



WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:

Sweden

Post Giro: 639 60 60-3

account holder: IKK

آلمان:

Germany

Rosa Mai

Konto. Nr.: 5836575

Bankleitzahl: 37010050

Post Bank

کانادا:

Canada

ICRC

Scotiabank

4900Dixie Rd, Mississauga

L4W 2R1

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK

Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G street Blaine, Wa 98230

phone# 1-360-332-5711

Masoud Azarnoush

Account number : 41581083

checking (99)

wire: ABA routing #026009593

swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر

کشور دیگر:

England

Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green

Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345477981

BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید میتوانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس

بگیرید:

سیامک بهاری: 0046739868051

markazi.wpi@gmail.com

**۵۴۴۵۰ دلار جمع آوری شده و حداقل
۴۶۵۵۰ دلار دیگر لازم است****هیچ کمکی کوچک نیست و هیچ کمکی بیش از اندازه زیاد نیست!**

جمشید هادیان ۱۰ دلار
سمیرا هوشیاریان ۵۰ دلار
محمود احمدی ۱۰۰ دلار
خسرو خرمدین ۴۰ دلار
سحر تیم ۵۰ دلار
دوستاناران حزب در هانوفر ۱۰۰ یورو

ناصر کشکولی ۲۰۰ یورو
کیوان رادمنش ۵۰۰ یورو
مهین کابلی ۱۰۰ یورو
کمک سه نفر از طریق عمر
معروفی ۱۱۰ یورو
عمرمعروفی ۲۰۰ یورو
منده از آلمان ۵۰ یورو
دوست اول مه از فرانکفورت ۵۰ یورو

عباس پیروز نژاد ۱۰۰۰ کرون
مریم مکوندی ۱۰۰۰ کرون
محمد نیل باقری ۵۰۰ کرون
حسین آذر پور ۵۰۰ کرون
زهره صادقی ۵۰۰ کرون

به پیش در می آید، کمک کنید تا حداقل ۱۰۰ هزار دلار کمک مالی را تا آخر ماه ژوئیه تهیه کنیم. ۵۰۹۰۰ دلار در طول پنج هفته گذشته جمع آوری شده و امیدواریم به همت شما حداقل ۴۹۱۰۰ دلار دیگر نیز در هفته های آینده تامین شود.

ضمن قدردانی عمیق از دوستانی که تاکنون کمک کرده اند، کلیه دوستاناران حزب و کانال جدید و همه مردم شریف و آزادیخواه را به پیوستن به این کمپین فرامیخوانیم.

ناصر اصغری ۱۰۰ دلار
فروغ ارغوان ۳۰۰ دلار
پیشرو علیپور ۵۰ دلار
امیر زاهدی ۵۰ دلار
سولماز سعیدی ۵۰ دلار
رضا کمالی ۲۰۰ دلار
کیا صبری ۵۰ دلار
بهرام کلاه زری ۱۰۰ دلار
عباس گویا ۱۰۰ دلار

حزب کمونیست کارگری حزب شما است. حزب آمل و آرزوهای انسانی میلیونها نفر، حزب پرچمدار مبارزات کارگران، زنان، دانشجویان و معترضین به اعدام و جنایات حکومت اسلامی است.

کانال جدید صدای اعتراض میلیونها زن به حجاب اسلامی، صدای اعتراض میلیونها کارگر به بی حقوقی همه آحاد جامعه در ایران و صدای جوانان معترضی است که شادی و رفاه و آزادی را حق خود میدانند.

برای ادامه کاری کانال جدید و به منظور گسترش دادن به فعالیتهای حزب و کانال جدید، به کمک تک تک شما نیازمندیم. هیچ کمکی کوچک نیست و هیچ کمکی بیش از اندازه زیاد نیست. همه شما کسانی که ما را مورد تشویق قرار داده و قلبتان از دیدن پیشرویهای این حزب و این کانال

به کمک مالی شما نیاز داریم!**کمپین دوماهه برای تامین ۱۰۰ هزار دلار**

مبارزه برای کنار زدن بختک جمهوری اسلامی و صرف تلاش برای سازمان یافتن مردم برای رهایی از این جهنم میشود. بعنوان فعال این کمپین قدم به میدان بگذارید و از همه دوستان و آشنایان و از همه انسانهای شریف بخواهید که به حزب کمونیست کارگری و کانال جدید کمک مالی کنند. امیدواریم با مشارکت فعال شما حداقل صد هزار دلار در دو ماه آینده جمع آوری کنیم و فعالیت هایمان را گسترش دهیم. کمک های خود را میتوانید از طریق از طریق حسابهای بانکی زیر پرداخت کنید. اسامی و میزان کمک ها بطور علنی اعلام خواهد گردید.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ مه ۲۰۱۴، ۸ خرداد ۱۳۹۳

میرم دارند تا صفوف خود را متحدتر و مستحکم تر کنند و به کانال جدید نیاز دارند تا صدای اعتراض خود را هر چه رساتر منعکس کنند. کارگران و زنان و جوانان، زندانیان سیاسی و خانواده هایشان، محکومین به اعدام و خانواده هایشان و در يك کلام بیش از ۷۰ میلیون مردم شریف و زحمتکش به این حزب و کانال نیاز دارند تا روشن تر و امیدوارتر مبارزه برای احقاق حقوق خود را گسترش بدهند. ما مصممیم که فعالیت های خود را گسترش دهیم و به این منظور به کمک مالی شما نیازمندیم. از شما دعوت میکنیم که فعالانه در این کمپین شرکت کنید.

هر يك دلار کمک مالی شما صرف مبارزه برای نجات انسانها،

به منظور تامین هزینه های کانال جدید و گسترش فعالیت های حزب کمونیست کارگری کمپینی دو ماهه از اول ماه جون تا آخر جولای اعلام میکنیم و از همه دوستاناران حزب و کانال جدید و کلیه آزادیخواهان و مخالفان جمهوری اسلامی تقاضا میکنیم در این کمپین ما را یاری بدهند. نقش حزب کمونیست کارگری و کانال جدید برای میلیون ها نفر از مردم شناخته شده است. در عرصه های مختلف مبارزه و هر جا ظلم و سرکوبی هست حزب کمونیست کارگری هم فعالانه حضور دارد و در صف اول مبارزه علیه جمهوری اسلامی و علیه بیحقوقی ها و محرومیت های مردم ایستاده است. مردم ایران به حزب کمونیست کارگری نیاز

دعوت نامه

بدینوسیله حضورتان را در همایش پرورده کیتکه اتحادیه حقوق بشر فنلاند گرامی می‌داریم

برابری حقوق و مسئولیت ما

زمان: ۲۳،۸،۲۰۱۴ ساعت ۱۵-۱۸

مکان: آلیانسی تالو؛ هلسینکی

Allianssi-talo | Asemapäällikönkatu 1 | 00520 Helsinki



سخنران اصلی همایش خانم مینا احدی فعال ایرانی حقوق بشر و سخنگوی کمیته بین المللی علیه سنگسار و اعدام میباشند ایشان فعالیت شان را در سنین جوانی علیه حجاب اجباری آغاز کردند و اکنون بعد از چند دهه فعالیت بی وقته علیه اعدام و سنگسار و حمایت از حقوق زنان ایشان چهره ای محبوب در سطح جهانی می باشند. از افتخارات ایشان می توان به کمپین جهانی متوقف کردن حکم سنگسار سکینه محمدی آستینانی و دریافت عنوان سکولاریست سال در لندن و دریافت جایزه ادبیات سال در وین اشاره کرد

شرکت برای تمامی اعضای خانواده آزاد بوده و همایش به زبان فارسی میباشند. فیلمبرداي و عکاسي از همایش بدون هماهنگی با برگزارکنندگان اکیدا ممنوع میباشند.

خواهشمندیم حضورتان را حداکثر تا تاریخ ۱۸،۸،۲۰۱۴ از طریق پست الکترونیک به اطلاع ما برسانید. با توجه به ظرفیت محدود سالن همایش اولویت با افرادی خواهد بود که حضورشان را زودتر به اطلاع برگزارکنندگان برسانند.

پست الکترونیک برای ثبت نام در همایش kitke@ihmisoikeusliitto.fi

برای کسب اطلاعات بیشتر می توانید با مسول هماهنگی پرورده مجید اله یاری تماس بگیرید

شماره تماس: ۰۴۴۷۳۸۶۵۰۶

پست الکترونیک majid.allahyari@ihmisoikeusliitto.fi

حمایت سازمانهای کارگری س اف د ت (CFDT)، س ژ ت (CGT)، اف اس او (FSU)، سولیدر (Solidaires) و او ان اس آ (UNSA) در فرانسه



سازمان های کارگری در فرانسه س اف د ت (CFDT)، س ژ ت (CGT)، اف اس او (FSU)، سولیدر (Solidaires) و او ان اس آ (UNSA) طی نامه ای به خامنه ای در ۴ ژوئیه ضمن ابراز نگرانی خود از وضعیت رضا شهابی رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای واحد و از رهبران شناخته شده کارگری در زندان اعلام کرده و خواستار اقدامات لازم برای انتقال فوری رضا شهابی به بیمارستانی در خارج از زندان و دسترسی به معالجات لازم را شده اند. این سازمانهای کارگری در فرانسه همچنین اعلام کرده اند که حاضر به قبول هزینه درمان رضا شهابی در بیمارستانی در فرانسه هستند و خواستار اجازه سفر وی به این کشور شده اند. رونوشت این نامه به دیگر مقامات رژیم اسلامی از جمله حسن روحانی، رئیس، صادق لایجانی، رئیس قوه قضائیه، سفیر جمهوری اسلامی ایران در پاریس ارسال شده است. متن این نامه از این قرار است:

”سازمان های سندیکائی فرانسوی س اف د ت، س ژ ت، اف اس او، سولیدر، او ان اس آ، توجه شما را نسبت به وضعیت رضا شهابی، عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که از ماه ژوئن ۲۰۱۰ به علت فعالیت برای احقاق حقوق کارگران در زندان بسر میبرد، جلب میکند. در تاریخ اول ژوئن ۲۰۱۴ رضا شهابی از بخش ۳۵۰ زندان اوین در تهران به زندان رجائی شهر در کرج منتقل شده است. زندان اخیر، هم محل نگهداری زندانیان سیاسی است و هم بزهکاران عادی که افراد شرور و خشن در میان آن ها فراوانند. رضا شهابی

کمپین برای آزادی کارگران
زندانی
۸ ژوئیه ۲۰۱۴

Shahla_daneshfar@yahoo.com
B a h
- ram.Soroush@gmail.com
m
http://free-them-
now.blogspot.com



ژورنال روزانه را بخوانید!
ژورنال همه روزه بجز جمعه ها منتشر می شود
سایت ژورنال: journal-ruzaneh.com
ایمیل ژورنال: journal.ruzaneh@gmail.com

ربابه رضایی در حمایت از همسرش رضا شهابی سخن میگوید



رضا شهابی از رهبران شناخته شده کارگری و عضو هیات مدیره سندیکای واحد از ۱۱ خرداد (۱۱ ژوئن) در اعتراض به تبعیدش به زندانی رجایی شهر و محروم کردن او از درمان در اعتصاب غذا بسر میبرد. وضعیت او نگران کننده است و چندین بار دچار بیهوشی شده است. در رابطه با این مساله و در دفاع از اعتراض رضا، همسر وی خانم ربابه رضایی اولتیماتوم داده است که اگر به خواستههای رضا پاسخ داده نشود او نیز دست به اعتصاب غذا خواهد زد. او در گفتگو با کمیته گزارشگران میگوید: "چهارشنبه گذشته (۱۱ تیر) با ایشان ملاقات داشتم. وضعیت جسمانی ایشان اصلا خوب نبوده و ۱۴-۱۵ کیلو وزن کم کرده‌اند و فشارش بالا و پایین می‌شد. بخاطر ضعفی که دارند هر روز می‌برند درمانگاه و فشارش بالا و پایین می‌شود. ناراحتی قلبی، کمردرد و گردن درد و پادرد بخاطر ضعفی که در بدنش دارد خیلی بیشتر شده و درد بیشتری را متحمل شده‌اند. معده درد هم که بخاطر ادامه اعتصاب ایشان بخاطر مصرف دارو بدون غذا و با شکم خالی هر روز افزایش پیدا کرده و باعث شده حالشان بدتر شود."

خانم ربابه رضایی از خواستههای رضا شهابی مبنی بر انتقال به اوین و درخواست مرخصی برای درمان سخن میگوید. و در آخر نیز چنین اخطار میدهد:

"اعتصاب غذا میکنم. مسئولین رسیدگی کنند به وضعیت همسر من."

جمهوری اسلامی رضا شهابی را زیر فشار گذاشته است، بخاطر اینکه او در زندان نیز صدای آزادیخواهی و انسانیت است. امروز نیز اعتراض رضا نه تنها به وضعیت خود بلکه بطور واقعی اعتراض به وضعیت همه زندانیانیست که محروم از درمان و از اولیه حقوق خود در زندانهای رژیم اسلامی اسپرند.

اکنون خانم ربابه رضایی در کنار همسرش ایستاده و خواستار پاسخگویی مقامات است.

از خواستههای رضا شهابی و خانم ربابه رضایی وسیعا حمایت کنیم. هم

اکنون کارزاری در حمایت از رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده که در موقعیتی مشابه در زندان است، در جریان است، با حمایت از این کارزار فشار را بر روی رضا و همسرش کاهش دهیم. به رضا اطمینان دهیم که ما پیگیر خواستههایش بوده و صدای او در سطح جهان هستیم و از او بخواهیم به اعتصاب غذایش خاتمه دهد.

رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند.

کمیپین برای آزادی کارگران زندانی

۱۰ ژوئیه ۲۰۱۴

Shahla_daneshfar@yahoo.com
Bahram.Soroush@gmail.com
http://free-them-now.blogspot.com

سایت حزب:

www.wpiran.org

سایت روزنه:

www.rowzane.com

سایت کانال جدید:

www.newchannel.tv

نشریه انترناسیونال:

www.anternasional.com

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سر دبیر این شماره: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

**حزب کمونیست کارگری حزب کسانی است که میخواهند
جامعه و دنیای بهتری بسازند!**

**حزب کسانی که حاکمیت یک اقلیت مفتخور و بی خاصیت
یعنی طبقه سرمایه دار را غیر عادلانه و ضد انسانی
میدانند!**

**این حزب حزب کارگران و مردمی است که مصممند به
دیکتاتوری و بهره کشی سرمایه داران از تولید کنندگان
ثروتهای اجتماعی برای همیشه پایان دهند. حزب انقلاب
انسانی برای جامعه ای برابر و انسانی!**

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!